

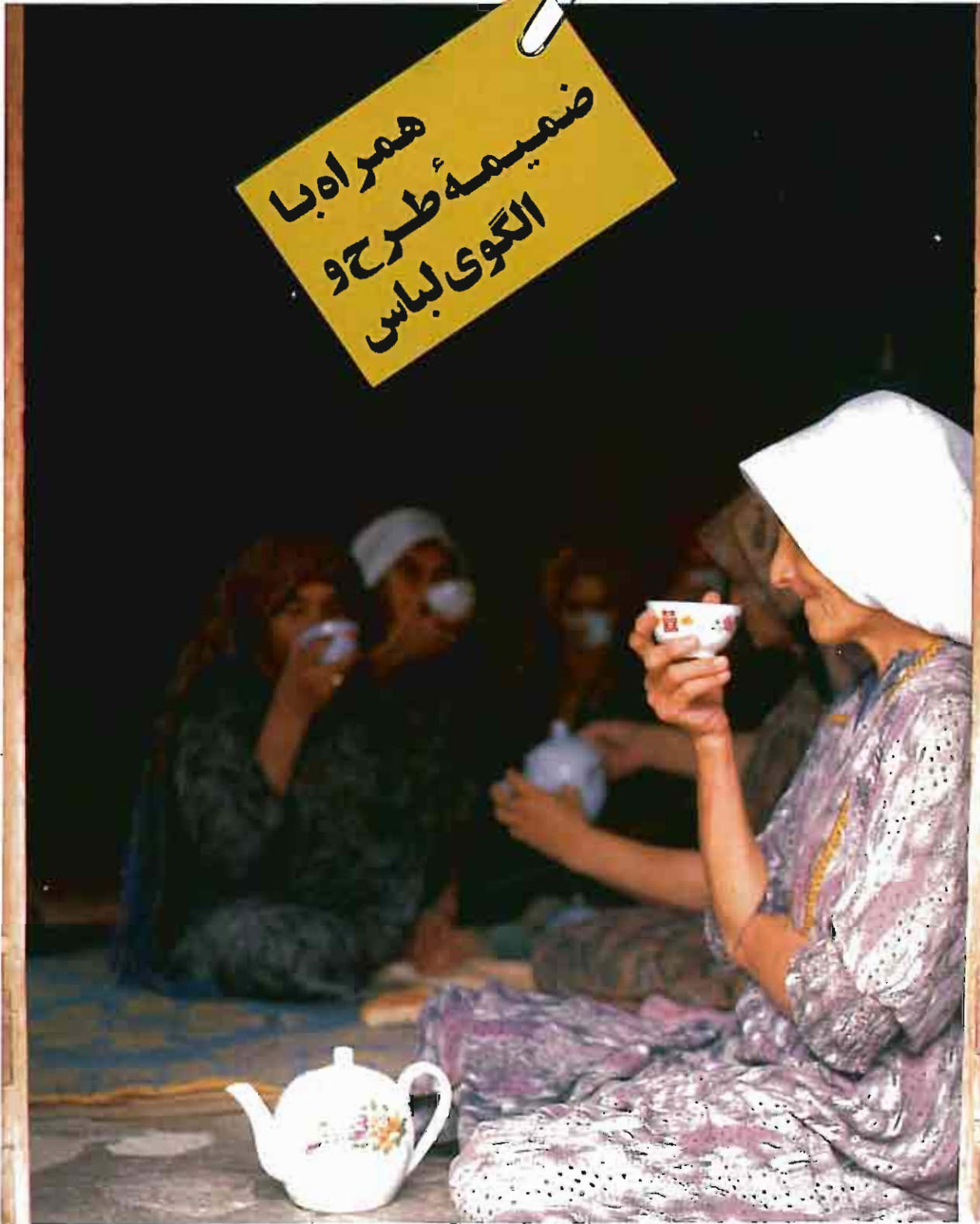
زنان

سال دوم ● آذر و دی ۷۲ ● ۸۰ صفحه ● بها ۱۲۰ تومان

ISSN 1021 - 4054

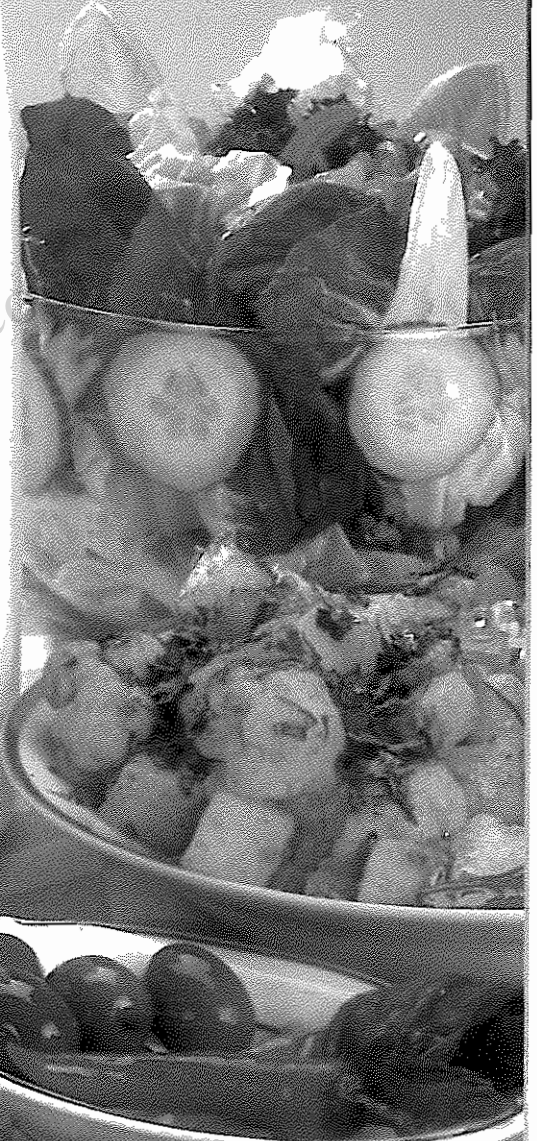
۱۵

همراه با
ضمیمه طرح و
الگوی لباس



● آقای مدیر مسئول، آسیب دیدگان را نمی توان در کوره ریخت! ● زن در توسعه ● چهره هایی از ادبیات معاصر، کاری بدیع از یک زن عکاس ● گچی با زنان آرایشگاه زیبا ● گفت و گو با منصوره حسینی (نقاش) ● جایگاه زن در فقه کیفری اسلام ● با بدن خود بد نباشید ● ده دقیقه ماساژ صورت، برای تقویت تمامی بدن ● مشکل جهل ● سیریا... سیریا، مردد میان اسطوره نو و کهن؟

قدر عافیت را بدانیم



عافییه

برای سلامتی خانواده‌ها

بدون کلسترول ✓

۱۰۰٪ خالص و طبیعی ✓



میلاد گرامی زهرای اطهر «س» یاد باد.

زنان

سال دوم • شماره ۱۵ • آذر و دی ۱۳۷۲

زنان نشریه‌ای است اجتماعی که یک بار در ماه منتشر می‌شود

سرخواست اندیشه	۲	یک حرکت تازه، پاسخی به آنچه شما خواسته‌اید:	● صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شهلا شرکت
	۳	پاسخ «کیهان هوایی» به سرمقاله «زنان»:	● مدیر داخلی: رزا افتخاری
	۵	آقای مدیر مسئول، آسیب‌دیدگان را نمی‌توان در کوره ریخت. : مدیر مسئول	● طراح گرافیک: کامران مهرزاده
گزارش	۴۲	مشکل جهل: اوژنیا پرایس، ترجمه زهره زاهدی	● امور شهرستانها: محسن آسیابچی
	۶	خبیر:	● امور مشترکین: شکوه اردلانی
هنر	۸	زن در توسعه: دکتر ژاله شادی طلب	● حروفچینی کامپیوتر: صدیقه کردی داریان
	۱۴	گپی با زنان آرایشگاه زیبا: شهرزاد اشتهازی	● چاپ متن: نادر
	۲۴	چهره‌هایی از ادبیات معاصر، کاری بدیع از یک زن عکاس. (گفت‌وگو با مریم زندی):	خ منوچهری - کوچه ژاندارک
	۴۴	نقش هنر: سودابه مجاوری	● چاپ رنگی: هادی
	۴۶	خطی که می‌نویسم، فقط «او» می‌خواند. (گفت‌وگو با منصوره حسینی): سارا موحدی	بهارستان - کوچه نظامیه - پاساژ آشتیانی - پلاک ۱۰۰
	۶۲	درگذشت ادری هیبورن، بیک حسن نیت یونیسف: ترجمه نزهت صباح‌نژاد	● روی جلد: اثر مریم زندی
در خا	۲۹	ضمیمه طرح و الگو: سهیلا شرکت	
	۳۲	گلدان چوبی، گلدان بامبوس: هاله کتانچی	
	۳۵	سوپ جعفری: حورا اخلاقی	
	۳۷	مقدمات الگو:	
	۳۸	راهنمای مدلها:	
ادبیات	۱۳	جوان کوهستان (شعر): رسول حمزاتوف، ترجمه فرشته ساری	
	۵۰	نهر ناروا: دکتر پیمان‌ه روشن‌زاده	
	۵۹	سیریا... سیریا، مرد میان اسطوره نو و کهن: نسترن موسوی	
حقوق علم	۵۲	جایگاه زن در فقه کیفری اسلام (۲): زینت السادات کرمانشاهی	
	۲۰	معرفی کتاب:	● صندوق پستی: ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵
	۲۲	ده دقیقه ماساژ صورت برای تقویت تمام بدن: مریم گودرزی	● تلفن: ۸۳۶۴۹۸
	۵۶	با بدن خود بلد نباشید: سوزان اسلنگ، ترجمه ندا سهیلی	● فکس: ۸۸۳۹۶۷۴
	۴۱	جدول:	● شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۴ - ۱۰۲۱

License Holder & Editorial Director:
Shahla Sherkat

Zanaan is a Persian-language journal published monthly. Each issue contains articles and reports related to the women's problems.

زنان در زمینه فعالیت‌های، هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.

حقوق چاپ، انتشار و نقل مطالب، طرحها و عکسها برای مجله زنان محفوظ است.

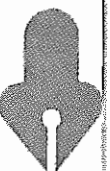
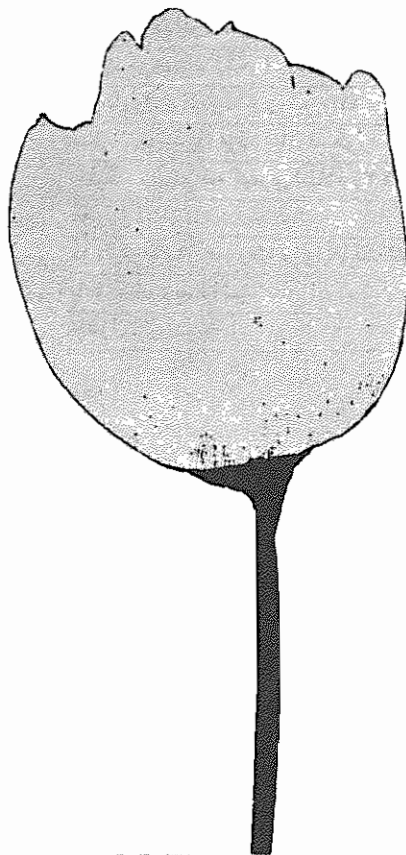
یک حرکت تازه،

پاسخی به آنچه شما خواسته‌اید

که شاید در چند ماه اخیر در سایر نشریات هم درباره آن مطالبی خوانده باشید. قضیه از این قرار است که از این شماره، با توجه به ازدیاد قیمت کاغذ و نیز اضافه شدن صفحات ضمیمه طرح الگو، هر نسخه مجله، برای ما حدود ۱۳۰ تومان تمام می‌شود. بابت هر نسخه، ۳۲/۵ درصد هزینه توزیع می‌پردازیم و هزینه‌های دیگری چون کاغذ - که قیمت آن در دو ماه اخیر حدوداً دو برابر شده است - لیتوگرافی، چاپ، صحافی، بسته‌بندی، تدارکات و... یا باید از طریق آگهی جبران شود و یا از راه اشتراک و تک‌فروشی که مطمئن‌ترین راه است. در حال حاضر بخشی از این ضرر را آگهیها جبران می‌کند و با وجود این ما برای هر نسخه، ۲۵ تومان ضرر می‌دهیم. از این رو اگر بخواهیم دوام بیاوریم، چاره‌ای نداریم جز آنکه تا اندازه‌ای که فشار بر ما کمتر شود و نیز به خواننده فشار زیادی نیاید، قیمت مجله را بالا ببریم. گو اینکه از این تنگنای اقتصادی و به تبع آن عسرت فرهنگی در رنج و افریم، امیدواریم شما عزیزان شرایط ما را درک کنید و افزایش قیمت مجله را حمل بر عدم درک شرایط سخت اقتصادی مردم نکنید زیرا ما نیز ناچاریم در این تنازع بقا! به شکلی حیات مجله را حفظ کنیم، آن هم نه برای خود که برای مخاطبین آن. ■

اگر به خاطر داشته باشید در اولین شماره مجله، بخش کاردستی را با یک مدل رومیزی شروع کردیم و گفتیم که به دلیل متنوع بودن نظرات درباره مدل لباس و نقشه الگو، منتظر نظرات مختلف شما عزیزان می‌شویم تا بتوانیم با اشراف بیشتری دست به این کار بزنیم. در طول انتشار ۱۴ شماره «زنان»، اکثریت خوانندگان ما سؤال می‌کردند که چرا مدل لباس و نقشه الگو ارائه نمی‌دهیم و آیا آن را مغایر با اهداف خود می‌دانیم؟ نظر ما این است که انسان با یادگیری هر فنی، یک قدم به خودکفایی نزدیکتر می‌شود و ما کسب هیچ مهارتی را باطل و منفی نمی‌دانیم اما مسئله اصلی این بود که خوانندگان ما چه اندازه نسبت به این موضوع احساس نیاز می‌کنند. و بالاخره اینک که این ضرورت برای ما حتمی شده است، قدم در این راه می‌گذاریم و با یاری خداوند و با تأکید بر این نکته که کار خیاطی نمی‌تواند و نباید همه اوقات یک زن را به خود اختصاص دهد، اولین «ضمیمه طرح و الگو» را با سیر صعودی، از کم به بیشتر، تقدیم خوانندگان عزیز می‌کنیم.

اما قبل از آغاز این کار باید موضوعی را با شما درمیان بگذاریم



در پاسخ به سر مقاله شماره ۱۴ مجله زنان از سوی نشریه «کیهان هوایی» پاسخی به دست ما رسیده است که در این شماره آن را منتشر می‌کنیم. در این نامه نکاتی وجود دارد که ما را ناچار به توضیحاتی درباره آن می‌کند. این توضیحات در پی پاسخ «کیهان هوایی» خواهد آمد. ❦

پاسخ «کیهان هوایی» به سر مقاله «زنان»

همکار محترم سرکار خانم شرکت
با سلام،

ابتدا لازم می‌دانیم از عنایتی که نسبت به کیهان هوایی در سر مقاله شماره ۱۴ «زنان» مبدول داشته‌اید، سپاسگزاری کنیم!

و اما بعد، در این سر مقاله، خیر مندرج در نشریه شماره ۱۰۵۲ مورخ ۲۱ مهر کیهان هوایی مبنی بر خبر پناهندگی یک زن ایرانی به کانادا را نخست مورد تشکیک قرار داده و سپس از همین دیدگاه به تجزیه و تحلیل آن پرداخته‌اید. محور سر مقاله یاد شده، ظاهراً بر تکریم و تجلیل از ملیت و آبروی ملی قرار دارد. اما با کمال تاسف، آنچه که به حمایت از آن پرداخته شده، مقوله‌ای کاملاً متنافر با کیان و آبروی ایران و زن مسلمان و زن شریف ایرانی - اگر چه که غیر مسلمان - است بر این دو اساس، ذکر چند نکته را به عنوان مخاطب مطلب مورد بحث، ضروری می‌دانیم:

۱ - مسلماً داشتن نگرش خاص کانالیزه شده، برای دیدن اطراف و اکناف، باعث آن خواهد شد که دنیا را تنها از همان دریچه‌هایی بنگریم که آن نگرش خاص به روی ما می‌گشاید و این سبب کانالیزه کردن حقایق و حتی نادیده گرفتن آن است. و بدین گونه است که نخست بدون تحقیق کافی در اطراف صحت و سقم خبری که بسیاری از منابع خبری خارج کشور، آن را با عکس و تفصیلات نقل کرده‌اند، در اصالت و صحت این خبر تشکیک می‌شود. (و آیا این همان یکسویه نگری و مطلق‌اندیشی‌ای نیست که این همه در تقبیح آن داد سخن داده می‌شود؟) دیگر آن که در همان سمت و سو با جزمیت هر چه تمامتر دفاع از کسی مد نظر قرار می‌گیرد که به اعتراف خودش به سبب نزدیکی به دربار و مرتبط بودن با خانواده پهلوی هوای جمهوری اسلامی را غیر قابل تنفس دانسته است. این اعتراف معانی بسیاری در بردارد. برای روشنتر شدن این معانی لازم است موضوعی هر چند بسیار واضح را یاد آوری نماییم و آن اینکه همان گونه که مطمئناً خود مدیر مسئول محترم و همفکرانشان آگاهند، هیچ کس در این ملک، به صرف داشتن تمایلاتی خاص مورد تعدی قرار نگرفته و نخواهد گرفت. آن چه سبب می‌شود یک نفر - چه زن و چه مرد - بدان حد به ستوه بیاید که از سرزمین خودش فرار کند و برای پناهنده شدن به بیگانگان به هر دری بزند، حتی از اعتراف به زنای محصنه نیز، ابایی نداشته باشد، نه سلطنت طلبی صرفاً سیاسی، بلکه طلب آن حکومتی است که زیر سایه آن بتوان از آن نوع «آزادی» هایی برخوردار بود که منطقاً در فرهنگ کنونی ما نمی‌توانند جایی داشته باشند. مطمئناً این تنها موردی نیست که از سوی یک دولت میزبان، با تقاضای پناهندگی یک نفر مخالفت می‌شود. پس می‌توان عذرها و بهانه‌هایی دیگر برای این قضیه آورد و به

«ترفند» ی دیگر توسل جست نه به این عذر آبرو بر باد ده. مسلماً هیچ زن شریف ایرانی، تحت هیچ شرایطی حاضر نیست برای پناهنده شدن به یک کشور بیگانه، این گونه از آبروی خویش دست شوید.

۲ - از آنجا که در همه جای این مقاله، سخن از شرع و تشریح رفته و به ذکر آیات و احادیث پرداخته شده انتظار می‌رفت که در نقل مطالب از کیهان هوایی، رعایت امانت و پایبندی به شرع مطمح نظر قرار گیرد ولی متأسفانه چنین نیست. در فرازی از این مقاله، یک تکه بدون سروته و در واقع یک «لاله» بدون «الاله» از یک پاراگراف خبر کیهان هوایی نقل شده و به دلخواه تکه‌ای را برگزیده‌اند و به آسودگی توانسته‌اند به تحلیلهای دلخواه نیز بنشینند. ما برای روشن شدن موضوع، ناگزیریم این قسمت از مطلب را به طور کامل از کیهان هوایی نقل کنیم. ذیل خبر مندرج در کیهان هوایی شماره ۱۰۵۲ مورخ ۲۱ مهر ماه چنین آمده است: «مطبوعات فارسی زبان چاپ خارج، در حال حاضر بخشی از صفحات خود را به درج ماجراهای زنان فراری ایرانی که علی‌رغم برخورداری از رفاه نسبی در ایران، به خارج گریخته و در محیط بی‌بند و بار غرب با داشتن همسر و چند فرزند، به فساد و تن فروشی مشغولند، اختصاص داده‌اند.» که نقل دست و پا شکسته این قسمت از خبر، باعث شده است که به راحتی بتوان شبهات مورد نظر را القا کرد و کیهان هوایی را به اتهام سخیف «فاحشه خواندن» تمامی زنان خارج کشور متهم ساخت.

۳ - در بخشی از این سر مقاله با اشاره به کیهان هوایی آمده است: «نشریاتی که... در آموزش شیوه‌های زشت و منفی به کسانی که به هر دلیل مهاجرند، آزادند و لزوم هیچ کیفری در قبال آنها احساس نمی‌شود.»

این قسمت شامل سه محور است:

الف - نقل یک خبر از سوی کیهان هوایی، «آموزش شیوه‌های زشت و منفی» قلمداد شده است. بی‌آنکه این واژه «آموزش» گشوده و توضیح کافی در پیرامون آن داده شود - آیا نقل خبر فساد اخلاق یک زن پناهنده ایرانی (و نه به زعم مدیر مسئول محترم، تمام زنان پناهنده)، آموزش دادن است؟ چه نوع آموزشی؟ البته ان شاءالله پایبندی مدیر مسئول محترم به شرع بیش از آن است که بخواهند با آوردن واژه «آموزش»، در مورد نقل چنین خبری، اتهامی سنگین به دیگران وارد آورند و قطعاً معنای مورد نظر ایشان چیزی است که برای ما - و احتمالاً دیگر خوانندگان - به اندازه کافی روشن نشده است.

ب - در عبارت «کسانی که به هر دلیل مهاجرند»، این قید «به هر دلیل»، از قضا بار معنایی بسیار گسترده‌ای در بردارد. دلایل مهاجرت ایرانیان به خارج کشور بسیارند و اتفاقاً این مدیر مسئول محترمند که با

ذکر این قید «به هر دلیل»، همه را با یک چوب رانده‌اند. آنها را که به قصد ادامه تحصیل یا امرار معاش به خارج رفته‌اند، آنها را که به قصد رویارویی با مردم و کیان و آبرو و اراده‌شان مهاجرت کرده‌اند و سرانجام آنها را که تنها به این دلیل موطنشان را ترک گفته‌اند که دیگر از بی‌بند و باریهای «پهلوی ساز»، در آن خبر و اثری نیست و نمی‌تواند باشد.

ج - و اما این «کیفر خواهی» مدیر مسئول محترم، برای کیهان هوایی - آن هم تنها به جرم نقل یک خبر - موردی است که نشان می‌دهد که تا چه حد پایبندی ادعایی ایشان به آزادی قلم و بیان، صحت دارد. حقیقت امر چنین است که علاوه بر آن که در یک مقاله کوتاه دو ستونی، انواع و اقسام جعل و تحریف و تهمت به چشم می‌خورد. نویسنده محترم آن مقاله، جامعه مدعی العموم نیز در بر کرده و کیفر خواست صادر می‌کنند و حتی برای کوبیدن جناح مقابل - که گناهی ندارد جز این که جناح مقابل است - هیچ ابایی از هواداری از گروه‌های ضد انقلاب و سلطنت طلب، نیز احساس نمی‌شود. دوستان محترم این را بدانند که این گونه نیست که «فحش از دهان آنها طبیبات» و از لسان و قلم دیگران جرم باشد. هتاک، هتاک، است و از قلم و زبان هر که جاری شده باشد، نکوهیده است. در این جا با کمال تأسف مشاهده می‌شود که مدیر مسئول محترم، حتی دون شان زنانگی و وزانت خویش عمل کرده‌اند و با آوردن لغاتی بسیار سخیف چون «نرینگی» و متهم ساختن و اهانت به دیگران در قالب شعارهایی چون «واعظان سالوس ورزی که عربانی واقعیت را بر نمی‌تابند»، «نداشتن حب وطن»، «کمتر بودن از اپوزیسیون خارج کشور» (!) «چماق‌داری» و ... آن هم تنها به خاطر درج یک خبر مخالف سلیقه ایشان، نشان داده‌اند که آن همه عبارت پردازی در وصف آزادی قلم و بیان ظواهری بیش نیستند.

۴ - مدیر مسئول محترم، ضمن دلالت کیهان هوایی به «سرپوش گذاشتن» بر چنین اخباری، فرموده‌اند: «ما بسیار کنجکاویم که بدانیم واقعا مقصود کیهان هوایی از انتشار و شاخ و برگ دادن به این خبر چه بوده است؟» اگر واقعاً این کنجکاو و وجود دارد، باید گفت که مقصود از چنین خبری، هشدار دادن به هموطنان در مورد این خطر است که آن کشورهای «پناهنده پذیر»، در صدد گشودن بابی چنین و نهادن دامی این گونه‌اند و در این قصد که قبح چنین اعمالی را برای زنان شریف مهاجر ایرانی از میان ببرند و این دلیل «محکمه پسند» را به عداد دلایل واهی‌ای که تاکنون فراریان ایرانی بدانها استناد می‌جستند اضافه کنند. بدون شک این مسئله برای زنان شریف مهاجر ایرانی، فاجعه‌ای جبران‌ناپذیر خواهد بود، چرا که کافی است از این پس و کلای بیشمار

دعاوی که در این گونه کشورها در زمینه امور مهاجرت و پناهندگی فعالیت می‌کنند، با استناد به این رویه، چنین دلیلی را هم به ادله اثبات محق بودن برای پناهندگی بیافزایند و آن‌گاه آیا آبروی زن ایرانی بازیچه دست بازیگران سیاسی نخواهد شد؟

اتفاقاً انتظار می‌رفت که کسانی که به نوعی خود را متولی زنان می‌دانند، به سبب قائل بودن این تولید برای خود، تا بدان حد دلسوزی نشان بدهند که اگر خود این خبر را درج نمی‌کنند، دست کم دیگران را به سبب درج آن این گونه پای میز محاکمه نکشند. و اما این سوی قضیه نیز این کنجکاو و وجود دارد که چرا زنی هموطن و بالیده در فرهنگ اسلامی و ایرانی و مدعی و مفتخر به فرهنگ ملی، به دفاع از چنین بی‌فرهنگیایی برمی‌خیزد؟

این که ما بیاییم و یک خبر را صرفاً به سبب آن که در پیرامون یک زن است و صرفاً به این دلیل که در یک نشریه مقابل درج شده، علم کنیم و بدون رعایت هیچ یک از اصول، زنی را که به فاسد الاخلاق بودن خویش معترف است، احیاناً به دیده تحسین بنگریم، او را زنی «هموطن» خطاب کنیم و سرانجام در رثای آبروی ناداشته او مرثیه‌ای غزا بسراییم چه چیز را ثابت می‌کند؟ و آیا اساساً کوبیدن حریف،

ارزش آن را دارد که برای آن به چنین وادیهایی درغلتیم؟ کلام آخر آنکه ای کاش پیش از آن که این گونه دیگران را به رگبار اتهامات بی‌اساس و هتاکیهای دور از شأن نیک نشریه مدعی دفاع از حقوق زنان، ببندیم، اندکی نیز به خویش بنگریم و از خود بپرسیم ما به عنوان یک ایرانی - چه زن و چه مرد - که خون فرهنگ ایرانی اسلامی در رگهایمان جاری است، می‌توانیم چنین زنی را درک کنیم و او را در انتخاب این وسیله برای توجیه آن هدف محق بشناسیم؟ آیا می‌توانیم با توجه به شخصیت و تربیتمان، چنین زنی را به عنوان همکار، دوست، همسایه و ... در کنار خویش تحمل کنیم یا آنکه بی‌هیچ تحقیقی در اطراف صحت و سقم این خبر و صرفاً به منظور اتهام زدن به دیگران، این گونه برافروخته شده‌ایم که صدای فریادمان از ورای کلمات سر مقاله‌مان به گوش می‌رسد؟

کیهان هوایی با توجه به رسالتش، وظیفه خود می‌داند که به مثابه پلی بین ایرانیان داخل و خارج کشور عمل کند و حقایق امور را بدون رو دربایستی و ملاحظه کاریهای مصلحت جویانه که به صلاح هیچ یک از ایرانیان، اعم از آنکه در داخل باشند یا خارج، نیست به اطلاع هموطنان برساند و این رسالت خطیرتر از آن است که گنجایش در محدوده تنگ و حصار کوچک درگیریهای سلیقه‌ای را برتابد.

با آرزوی موفقیت برای شما و نشریه‌تان

مدیر مسئول کیهان هوایی

عباس سلیمی نمین



» بنا نداشتم دربارهٔ پاسخ «کیهان هوایی» چیزی بنویسم، اما از آنجا که احساس می‌شود مدیر مسئول محترم این نشریه در مواردی به توضیح نیاز دارند، چند نکته را متذکر می‌شوم. ❏

آقای مدیر مسئول، آسیب دیدگان رانمی‌توان در کوره ریخت!

ترفندی استفاده کنند. گمان می‌کنم موضوع خیلی روشن باشد. شما دقیقاً در دامی که به قول خودتان «کشورهای پناهنده پذیر گشوده‌اند»، افتاده‌اید و «به وکلای دعاوی که در این گونه کشورها، در زمینهٔ امور مهاجرت و پناهندگی فعالیت می‌کنند» خط می‌دهید. هم از این روست که ما احساسات و تعصبات خود را کنترل می‌کنیم و «دلسوزی» به خرج نمی‌دهیم که یا این خبر را درج کنیم یا برای درج کنندگان هورا بکشیم.

و اما همان‌گونه که عرض شد، «هموطن» می‌تواند به همهٔ عناصر جامعهٔ ایرانی، به صرف ایرانی بودن - اعم از سالم الاخلاق و «فاسد الاخلاق» اطلاق شود. ما معتقد نیستیم که آسیب دیدگان اجتماعی را باید در کوره ریخت و آتش زد و از خارج کشور، آدم سالم وارد کرد. اتفاقاً ما در رثای آبروی ریخته هم مرثیه می‌سراییم و از آنجا که «خون فرهنگ ایرانی - اسلامی در رگهایمان جاری است»، می‌توانیم چنین زنی را درک و تحمل کنیم زیرا پیامبر ص و علی ع و حتی جوانمردهای ما نیز با لطمه دیدگان و مستضعفان فکری اینگونه برخورد می‌کردند.

راستی چرا رسالت خطیر کیهان هوایی و نشریات هم خطشان فقط در بر ملا کردن «حقایق امور» بخت برگشتگانی چون یک زن مهاجر است؟ ضعیف کشی زبندهٔ اقویا نیست! آیا شما آنجا هم که ملت حق دارد حقایق امور ضروری و طبیعی خود را بداند، «بدون رودریاستی و ملاحظه کارهای مصلحت جویانه که به صلاح آنها نیست»، آن را به اطلاع هموطنانتان می‌رسانید؟!

در آخر یادآور می‌شوم آنچه به عنوان «لغات سخیف» از آن یاد کرده‌اید، دقیقاً توصیف حقیقت است و اینکه شما خود را مصداق «واعظان سالوس و رزی که عربیانی واقعیت را بر نمی‌تابند» یافته‌اید نکته‌ای است قابل توجه، چون سخن بنده در مقدمهٔ بحث بیانی کلی از وضعیت زن در جامعه بود و صراحتاً به کسی اشاره نداشت.

مدیر مسئول

سخن نخست آنکه قضاوت در این باره که آنچه من در مقاله‌ام از آن حمایت کرده‌ام متناقض با «کیان و آبروی ایران و زن مسلمان و شریف ایرانی» بوده یا محتوای خبر «کیهان هوایی»، به قضاوت خوانندگان آگاه گذارده می‌شود.

دیگر سخن اینکه مدیر مسئول محترم «کیهان هوایی» اینگونه القا کرده‌اند که «هیچ کس در این ملک، به صرف داشتن تمایلاتی خاص مورد تعدی قرار نگرفته و نخواهد گرفت». تصویری کنم دو نشریه‌ای که در جریان مسائل اجتماعی هستند، باید با یکدیگر روراست باشند. هر دوی ما می‌دانیم که «باید» ها از «هست» ها خیلی فاصله دارند و می‌دانیم که از قضا، متفکران، نظریه پردازان، فیلسوفها، نویسندگها، فیلمسازها، هنرمندان و بسیاری دیگر به خاطر داشتن تمایلات خاص مورد تعدی لاقط مشرب فکری خاصی قرار می‌گیرند. شاید قانوناً مشکلی وجود نداشته باشد اما گروههای فشار به آنها تعدی و تعارض می‌کنند. شما خوب می‌دانید که بعضی نشریات این مملکت لبریز است از این تخطئه‌ها و تعارضات به کسانی که فقط فکر و تمایل خاصی دارند و از کادر تفکر کلیشه‌ای رایج بیرون زده‌اند. از این گذشته نمی‌توان تجاهل کرد که براساس روش تسامح و تساهل برگزیده و ناگزیر جاری، امروز کسانی وارد این سرزمین شده‌اند که بی‌ارتباط با دربار پهلوی نبوده‌اند و بر اساس همین شیوه است که یک کشور متولی حقوق همهٔ شهروندان خود در هر کجای دنیا خواهد بود. در مورد «نقل دست و پا شکستهٔ یک قسمت از خبر»، باید بگویم آنچه شما نقل کرده‌اید نیز همان است که «زنان» خلاصهٔ آن را آورد و در اصل قضیه تفاوتی نیست و این را باز به قضاوت خوانندگان می‌گذارم.

خواسته بودید که واژه «آموزش» گشوده و توضیح داده شود. می‌دانید که در فرهنگ فارسی یکی از معانی آموزش، یاد دادن است. خبر شما به آنها که نمی‌توانند پناهندگی بگیرند، یاد می‌دهد که از چنین

خبر

◀ از سوی «مجله زنان»

سمینار «اعاده حیثیت حوا» برگزار شد

جمعی از دانشجویان و اساتید این مرکز برگزار شد، «زهره زاهدی» به نمایندگی از سوی مجله «زنان» به ایراد سخنرانی پرداخت.

این سخنرانی با استقبال گرم حضار روبه رو شد و پس از آن

روز یکشنبه ۲۸ آذر ماه، برای بزرگداشت مقام زن، از سوی مجله «زنان» سمیناری تحت عنوان «اعاده حیثیت حوا» در مرکز تحصیلات تکمیلی در علوم پایه - زنجان برپا شد.
در این سمینار که با حضور

او تبدیل شد. این گفت‌وگوها درباره مشکلات فرهنگی زنان، تنگی دیدگاهها در مورد زن، تضییقات قانونی، موانع اجتماعی و انتظارات جامعه از زن بود. «زنان» در شماره آینده مشروح سخنرانی این سمینار را منتشر خواهد کرد.

دانشجویان پرسشهایی با درباره مسائل زنان مطرح کردند که نماینده مجله زنان به آنها پاسخ داد.

پس از ساعتی جلسه به فضایی پرشور، جدی و دوستانه برای گفت‌وشنودن در مورد زن و مشکلات

◀ اولین نمایشگاه مستقل «چهره مطبوعات امروز» برگزار شد

مکان نمایشگاه سؤال کردیم. وی گفت: «منطقه کشتارگاه به لحاظ جغرافیایی درست در منطقه محروم تهران واقع است، منطقه‌ای که مردم آن در هر جنبش و جوشی در صف اول بوده‌اند ولی متأسفانه کار فرهنگی در آنجا بسیار کم انجام شده است. همچنین مختصات فرهنگی - معماری فرهنگسرای بهمن برای برپایی نمایشگاه بسیار مناسب بود. به همین سبب تصمیم گرفتیم اولین نمایشگاه مستقل «چهره مطبوعات امروز» را در این محل برگزار کنیم.» مدیریت نمایشگاه درباره استقبال مردم از این حرکت افزود: «از ابتدا مسئولان فرهنگسرا به ما یادآوری

به همت تعاونی مطبوعات کشور از ۱۲ تا ۲۷ دی ماه، نمایشگاهی با عنوان، چهره مطبوعات امروز» در فرهنگسرای بهمن برپا شد.
در این نمایشگاه، ۲۰۰ نشریه شرکت داشتند و نشریات «ایران» و «ایران زمین» از حوزه سیاحتی - زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و «آینه» در آغاز برپایی نمایشگاه انصراف دادند.
طی گفت‌وگویی کوتاه از «علی اکبر قاضی‌زاده»، معاون امور فرهنگی و آموزشی و عضو هیئت مدیره تعاونی مطبوعات، که مدیریت نمایشگاه را به عهده داشت درباره انگیزه تعاونی مطبوعات برای انتخاب

کردند که تجربه نشان می‌دهد در چنین منطقه جغرافیایی، استقبال جدی از نمایشگاه احتمالاً بعد از چهار یا پنج روز شروع خواهد شد و به همین دلیل به توصیه آنها مدت نمایشگاه را از یک هفته به ۱۵ روز افزایش دادیم که البته پیش‌بینی آنها درست بود. مثلاً روز جمعه، ۲۴ دی ماه، حدود ۱۰ هزار نفر از نمایشگاه دیدن کردند و در روزهای آخر، بازدیدکنندگان بیشتر افراد حرفه‌ای و متخصص بودند.

از آقای قاضی‌زاده سؤال شد که در مجموع نمایشگاه را چگونه یافته است. وی پاسخ داد: «مجموعاً من

حرکت را موفق ارزیابی می‌کنم و تصور می‌کنم اهداف ما را تأمین کرده است و امیدوارم بتوانیم نمونه‌های دیگری از این حرکت را در نقاط دیگر تهران، مثل منطقه شرق داشته باشیم.

زنان مدیر مسئولی که نشریه آنها در این نمایشگاه شرکت داشت، عبارت بودند از:

- پیام هاجر: اعظم طالقانی
- تکاپو: سکیه حیدری
- دانستیها: فران پهبزادی
- زنان: شلها شرکت
- شباب: شکوه قاسم‌نیا
- مامایی و پرستاری: ژیلا عابد سعیدی

◀ رئیس کمیته بازیهای بانوان کشورهای اسلامی به کویت سفر کرد

المپیک آسیا در کویت حضور یافتند. هدف از شرکت در این مجمع ملاقات با رؤسای کمیته‌های المپیک و آشنا کردن جهان با ورزش بانوان مسلمان عنوان شده است.

در این سفر فائزه هاشمی، رئیس کمیته بازیهای بانوان کشورهای اسلامی با امیر و ولیعهد کویت و

«فائزه هاشمی»، نایب رئیس کمیته ملی المپیک ایران به همراه «طاهریان»، دبیر شورای همبستگی کشورهای اسلامی و «شکوه نوایی‌نژاد»، نایب رئیس شورای همبستگی ورزشهای اسلامی و «شهران»، مسئول ورزش هندبال در مجمع شورای المپیک آسیا در دوازدهمین مجمع عمومی شورای

«سامارانش» رئیس کمیته بین‌المللی المپیک و «شیخ فهد آل صباح» دیدار و گفت‌وگو کرد و درباره برنامه‌های دومین دوره بازیهای اسلامی به بحث و تبادل نظر پرداخت.

در این سفر مارانش ضمن پشتیبانی از بازیهای بانوان کشورهای اسلامی به فائزه هاشمی پیشنهاد کرد که برای عضویت در کمیته بین‌المللی

المپیک کاندید شود. در خلال ملاقاتها و مذاکراتی که در این سفر انجام شد یک نمایشگاه عکس از اولین دوره بازیهای همبستگی زنان کشورهای اسلامی برپا شد که توجه حاضرین را به خود جلب کرد. این نمایشگاه با همکاری ۱۶ کشور آسیایی که عکسهای خود را ارسال کرده بودند، برگزار شد.

◀ «سارا» برنده سه جایزه جشنواره سه قاره نانت

روابط عمومی بنیاد سینمایی فارابی اعلام کرد: فیلم سینمایی «سارا» در پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سه قاره نانت که از دوم الی نهم آذرماه در فرانسه برگزار

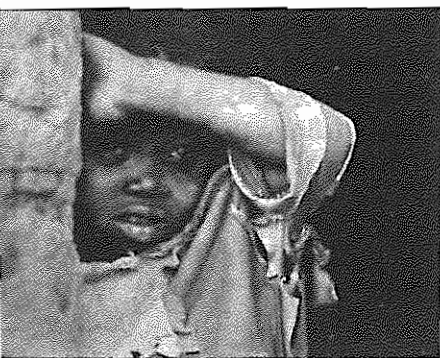
فیلم سینمایی «سارا» ساخته داریوش مهرجویی سه جایزه از پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «سه قاره نانت»، فرانسه را به خود اختصاص داد.

شد در بخش مسابقه شرکت داشت و موفق به کسب جوایز زیر شد:

۱ - جایزه نقره جشنواره به عنوان

دومین فیلم جشنواره
۲ - جایزه بهترین بازیگر زن، به خاطر بازی نیکی کریمی
۳ - جایزه بهترین فیلم جشنواره از طرف تماشاگران





کلی حساسیت خود را نسبت به هموعان خود از دست داده‌اند. تعداد غیرقابل شماری از این افراد نوجوان از ناهنجاری روانی به خصوصی رنج می‌برند که تاکنون معادلی در لغت نامه بین‌المللی نداشته است. در برابر نمونه‌ای بی‌شمار چنین گزارشات تأسف باری حق این امت رکه بگویم تمدن بشری هرگز روایی چنین زنده بر تن نکرده است.

همزمان با این مسائل، ضرورت تدارک موافقانه‌ها و اصولهایی برای حمایت از کودکان در چنین بلایایی بسیار حائز اهمیت است. گزارشتی که رسانه‌های گروهی دربارهٔ شرارت‌های اعمال شده بر کودکان می‌دهند نقش بسیار مثبتی در گسترش این فعالیتها دارد و سازمانها و گروههایی را که از کودکان تحت ستم حمایت می‌کنند و به قربانیان فعلی جنگ کمک می‌رسانند در تمام کشورها فعالتر می‌سازد. در دههٔ ۱۹۹۰ قراردادهایی جدیدی برای احقاق حقوق کودکان به ویژه آنها که در مناطق جنگ‌زده زندگی می‌کنند، بسته شد. در السوادور احزاب درگیر موافقانه‌ای امضا کردند که پیرو آن، کودکان در روزهای بخصوصی از مضرات جنگ مصون می‌مانند و قرار است توافقهایی صورت گیرد که کودکان به طور کلی تحت حمایت احزاب درگیر جنگ قرار گیرند. در سودان و لبنان نیز امکاناتی برای آنان در نظر گرفته شده است، اما تمام این تلاشها به مثابهٔ گام به جلو و یک گام به عقب است. پیشرفت واقعی در وضعیت این کودکان زمانی جلوهٔ واقعی به خود می‌گیرد که مردم جهان، هم‌نوا خواستار اجرای واقعی قراردادهای بین‌المللی برای مصونیت کودکان در سراسر جهان شوند.

انگشتش در محل جنایت به ۱۷ تا ۴۴ سال زندان محکوم شد.

این زن در دادخواست خود علیه ایالت نیویورک ۲۵۰ میلیون دلار بابت خلافتکاری ادارهٔ پلیس، ۱۵۰ میلیون دلار بابت نقض حقوق مدنی و ۱۰۰ میلیون دلار برای محکومیت ناعادلانهٔ مطالبهٔ خسارت کرده است. یکی از اساتید حقوق دانشگاه هاروارد در این باره گفته است که با وجود جرم بزرگی که پلیس نیویورک مرتکب شده، احتمال پرداخت این جریمهٔ سنگین بعید است.

اینک سه نفر از کارشناسان جنایی پلیس نیویورک اعتراف کرده‌اند که در نزدیک به سی پرونده جعلی شواهد کرده‌اند و سه کارشناس دیگر پلیس نیز در این مورد در انتظار محاکمه‌اند.

کودکان، طعمهٔ اصلی جنگ

در دههٔ ۱۹۹۰، جهان با مشکلی جدی برای حمایت از کودکان در کشورهای در حال جنگ مواجه بود.

در گذشته، خسارات حاصل از جنگ بیشتر متوجه سربازان درگیر در جنگ بود در حالی که فقط در دههٔ اخیر حدود یک‌ونیم میلیون کودک در درگیریهایی نظامی کشته شده‌اند، حدود چهار میلیون دچار نقص عضو و اختلالات جسمی، قریب پنج میلیون آواره و بیش از ۱۲ میلیون از جوامع خود ریشه‌کن شده‌اند. خرابی محصولات، محل زندگی، مراکز بهداشتی و مدارس، سلامتی، تغذیه و تحصیلات، زندگی تعداد کثیری از کودکان را به مخاطره انداخته است. اخیراً تجاوز به دختران به عنوان سلاحی مؤثر در جنگ یوگسلاوی مورد استفاده قرار گرفته است. در بسیاری از مناطق جهان، کودکان شکنجه و آزار می‌شوند و آنها را وادار می‌کنند که ناظر یا شریک در اعمال پست و شریبانه شوند. صدها هزار کودک در مین گذاریهای مناطق فلج شده‌اند. بسیاری از آنها پیش از موقع به خدمت نظام فراخوانده شده‌اند و با شرکت در عملیات مسلحانه یا آلودگی به مواد مخدر، به

مسلمانان و اعمال تبعیض دربارهٔ بوسنی، آذربایجان و کشمیر متهم کرد.»

یک زن مسلمان فرانسوی علیه مقامات محلی شکایت کرد

خانم «دوفویه» زن فرانسوی مسلمانی که فرمانداری شهر محل اقامت او عنوان «مسلمان افراطی» را در کارت هویتش قید کرده بود، علیه مقامات محلی شکایت کرد.

این زن فرانسوی دو سال است که مسلمان شده است. وقتی او برای دریافت کارت هویت جدید به شهرداری مراجعه کرد، با مخالفت آنها با عکس محجب خود روبه‌رو شد و آنها را متقاعد کرد که عکس با حجاب او را بپذیرند، اما بعداً متوجه شد که در قسمت مخصوص نشانه‌های فیزیکی، عبارت مسلمان تدریس شده است.

در پی اعتراض خانم «دوفویه» به مقامات محلی، این موضوع در رسانه‌های گروهی فرانسه به بحث گذاشته شد و از آن به عنوان نقض صریح قانون یاد شد.

یک زن امریکایی از پلیس نیویورک تقاضای ۵۰۰ میلیون دلار خسارت کرد

یک زن امریکایی که براساس مدارک جعلی پلیس به اتهام مشارکت در قتل به زندان طولانی مدت محکوم شده بود، پس از آگاهی از این امر، از مسئولان ایالت نیویورک مطالبهٔ ۵۰۰ میلیون دلار خسارت کرد.

نیویورک تایمز گزارش می‌دهد که «شرلی ترنر کینج» پس از گذراندن دو سال از دوران محکومیت خود، به دلیل اعتراف یکی از کارشناسان پلیس که اثر انگشت او را جعل کرده بود، به دستور قاضی آزاد شد.

«شرلی ترنر کینج» در سال ۱۹۸۹ به اتهام مشارکت در قتل چهار نفر از اعضای یک خانواده در ایالت نیویورک دستگیر و براساس اسناد جعلی در مورد وجود اثر



دیدار رهبران زن دو کشور اسلامی

با ورود «بی‌نظیر بوتو»، نخست وزیر پاکستان به منظور یک سفر سه روزه به ترکیه، آنکارا صحنهٔ نخستین نشست زنانهٔ دو کشور مسلمان شد.

واشنگتن تایمز در شمارهٔ ۱۱ دسامبر خود با انتشار این خبر می‌نویسد: «بی‌نظیر بوتو پس از پایان سفر خود در ایران، به ترکیه رفت و با همتای خود در این کشور دیدار کرد. «تانسوچیلر»، نخست‌وزیر زن ترکیه و «بی‌نظیر بوتو» نقاط مشترکی با یکدیگر دارند. بوتو فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های هاروارد و آکسفورد است و چیلر فوق‌لیسانس دانشگاه نیومشایر و فارغ‌التحصیل دکترای دانشگاه کانکتیکت است و هر دو در آستانهٔ چهل سالگی هستند.

هنگامی که «اودز چیلر»، همسر تانسو چیلر و «آصف‌علی زرداری»، همسر بی‌نظیر بوتو در حین اجرای مراسم در ردیف دوم ایستادند، نقشهای سنتی کاملاً دگرگون شد. در این دیدار خانم بوتو اظهار داشت: «ترکیه و پاکستان می‌توانند در معرفی دنیای اسلامی نقش مؤثرتری ایفا کنند.» شایان ذکر است که رهبر دیگر زن در کشورهای مسلمان، «بیگم خالده‌ضیا» نخست وزیر بنگلادش است. بوتو قبل از ترک اسلام‌آباد به خبرنگاران گفته بود: «من معتقدم ما زنان، کارها را بهتر پیش می‌بریم.»

وجود نخست‌وزیران زن در این کشورهای اسلامی گویای این حقیقت است که در اسلام تبعیض جنسیتی وجود ندارد.

خانم بوتو در مصاحبه‌ای، سیاستهای دوگانهٔ غرب را در قبال

هرگز در تاریخ به اندازه امروز توافق در مورد اینکه مهمترین پیش‌نیاز توسعه، مشارکت همه انسانهاست، وجود نداشته است. اما برای رسیدن به این نقطه، راه درازی پیموده شده، افت و خیزهای بسیاری بوده و هنوز هم در کشور ما و سایر کشورهای در حال توسعه، مسائل ناگفته بسیار است.

قبل از آغاز بحث، باید تعریفی از مفهوم توسعه ارائه شود: آنچه که به عنوان توسعه در این بحث مطرح می‌شود چیزی نیست جز

«تعالی انسانها». با این تعریف، توسعه به هیچ پسوندی نیاز ندارد چون در تعالی انسانها همه ابعاد سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ملحوظ شده است. به طور یقین در جامعه‌ای که می‌خواهد به سوی توسعه حرکت کند، به جای اینکه صرفاً عوامل مادی تغییر کنند باید جامعه‌ای در جهت تعالی انسانها و به سوی کاهش نابرابریها حرکت کند. نابرابریها در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نابرابریهایی که معیار آن جنسیت انسانها

باشد. امروزه در کشور ما، همچنان استقلال و همچنان ناشی از تصور از بین بردن فقر و امکان یک زندگی خوب برای همه، موجب علاقه فراوان به بحث توسعه گردیده است ولی در واقع برنامه‌ریزی برای توسعه، پس از جنگ جهانی دوم در کشور ما آغاز شده است. بنابراین شاید بتوان گفت که ما یک تجربهٔ چهل ساله در برنامه‌ریزی و تحول در دیدگاهها و استراتژیهای توسعه داریم. ■■

دکتر ژاله شادی طلب

زن در توسعه

* مقاله حاضر متن سخنرانی خانم ژاله شادی طلب است که در اولین سمینار مشارکت اجتماعی زنان ایراد شده است.

◁ قبل از انقلاب

دیدگاه رشد: اقتصادی دیدن توسعه

در این دیدگاه، حرکت از عقب ماندگی به طرف توسعه، با بیشتر کردن رشد تولید ناخالص ملی صورت می‌پذیرد. توسعه معادل رشد قلمداد شده و پیش‌نیاز آن تأمین سرمایه است. به این معنی که سطح بالای درآمد ملی به سطح بالایی از پس‌اندازها و سپس به سطوح بالایی از سرمایه‌گذاری و نهایتاً به نرخ سریع‌تر رشد اقتصادی می‌انجامد. فرض بر این است که پس از دستیابی به رشد اقتصادی، منافع آن به همه گروهها خواهد رسید و زنان نیز ناگفته جزو گروههایی هستند مانند فقرا، که بالاخره از منافع این رشد بهره‌مند خواهند شد.

در این دیدگاه، یک چندی استراتژی درهای باز اجرا شد. کشورهای به اصطلاح پیشرفته، عقب‌افتادگان از قافله (به ظاهر) تمدن را با امکانات رفاهی و یک زندگی بهتر آشنا کردند تا مصرف‌کنندگان دائمی محصولات ساخته شده آنان باشند. در این استراتژی، زنان تأمین‌کنندگان بازار مصرف بسیار قابل اطمینانی بودند بنابراین عطش پایان‌ناپذیر انسانی برای مصرف به شیوه‌های مختلف دامن زده می‌شد و زنان ابزاری برای تبلیغ مصرف هر چه بیشتر بودند.

استراتژی جایگزینی واردات با هدف ساختن همان کالاها در داخل کشور و کاهش وابستگی به واردات کالاهای ساخته شده تغییری در نگرش این دیدگاه به زنان

نداد زیرا الگوی مصرفی به تقلید از ملل ثروتمند پذیرفته شده و حال می‌بایست با تولید آن کالاها در داخل، الگوی مصرف کماکان باقی بماند و در واقع این یک حربهٔ جدید در دست کشورهای پیشرفته برای تسلط بر کشورهای عقب‌مانده بود. نتیجه‌ای که عاید شد این بود که وابستگی به واردات کالاهای تولیدشده به وابستگی به وسایل تولید تبدیل شد و الگوی مصرف با شتاب بیشتری ادامه یافت.

در نیمهٔ اول دههٔ ۱۹۶۵، آشکار شد که توسعهٔ اندازه‌گیری شده از روی افزایش محصول ناخالص ملی، نابرابریها را کاهش نداده و تأثیر مثبتی بر زندگی تودهٔ مردم از جمله زنان نداشته است. بنابراین مشخص شد که منافع توسعه به تنهایی و به طور کلی خود به خودی به هیچ طبقه‌ای و به خصوص به زنان نمی‌رسد.

◁ بعد از انقلاب

دیدگاه دگرگون ساز: سیاسی دیدن توسعه در این دیدگاه، برابری بیشتر در منافع و رشد حاصل از بخشهای اقتصادی در واقع می‌توانست شرط لازم رشد اقتصادی خودکفا باشد. بنابراین کاهش نابرابریها در درآمد و مصرف و کاهش نابرابریها در ابعاد سیاسی و اجتماعی با هدف افزایش مشارکت داوطلبانهٔ همه انسانها (زن و مرد) یک ضرورت بوده و انگیزهٔ نیرومندی در فرآیند توسعه محسوب می‌شد.

الگوهای مصرفی شدیداً رد شده و جنبه‌های خوب، ساده زیستن، ذخیره کردن و کمک به دیگران ترغیب می‌شد. گرچه مبارزه با مصرف‌گرایی و الگوی مصرف در این دیدگاه، کار را به بیراهه کشاند به طوری که گاهی استفادهٔ صحیح از نعمتهای الهی نیز

- بعد از انقلاب، گرچه در تئوریهایی مانعی بر سر راه مشارکت زنان در تصمیم‌گیریها وجود نداشت، اما جنسیت، معیار انتخاب مدیران و مدیریت جامعه شد.

صرفاً سیاسی دیدن نیز نتوانست مشکل‌گشا باشد.

برنامه اول توسعه

دیدگاه اقتصادی دیدن توسعه

در اواخر دهه ۱۹۶۰ و در کشور ما در سالهای پایانی دهه ۸۰ (سالهای ۶۷ - ۶۸) به اثرات نامطلوب استراتژی جایگزینی واردات در اغلب کشورهای که از آن استفاده می‌کردند پی برده شد و استراتژی توسعه صادرات و رقابت در بازارهای بین‌المللی، همراه با سیاست جایگزینی واردات در برنامه اول توسعه انتخاب شد.

این دیدگاه با تکیه بر گسترش تولیدات (هر چند وابسته)، خروج از بحران اقتصادی را جستجو می‌کند و توسعه در کشورهای تازه صنعتی شده کره جنوبی، سنگاپور و هنگ‌کنگ را الگو قرار داده و به دنباله‌روی از آنها قناعت می‌کند.

در این دیدگاه وارد شدن زنان به بازار کار، هم به کوچکتر شدن ابعاد خانوار و کنترل مولید می‌انجامد و هم به رشد اقتصادی کمک می‌کند. زنان، نیروی کار ارزان قیمت، ماهر، کم‌توقع و منظمی هستند که همواره می‌توان آنها را با نیروهای تازه نفس جایگزین کرد. گسترش مناطق آزاد تجاری در کشورهای تازه صنعتی شده موفق و آنهایی که در تلاش برای رسیدن به این قافله هستند به خوبی این نقش مهم زنان را نشان می‌دهد.

بنابراین نزدیک به چهل سال، همراه با برنامه‌های توسعه و استراتژیهای آن، وضعیت زنان نیز تغییر کرده و نقش و سهم آنان تحت تاثیر این دیدگاهها بوده است. حتی کاربرد کلمه «زن» در ادبیات توسعه، نه به عنوان مشارکت‌کنندگان، بلکه به عنوان مطالبی الحاقی به توسعه به کار برده می‌شود. مثلاً: زن و توسعه و یا توسعه زنان یا اثرات زنان در رشد و توسعه اقتصادی، همه این کاربردها گمراه‌کننده است. باید زن را در توسعه دید، هم به عنوان انتخاب‌کننده و هم به عنوان انتخاب‌شونده. هم به عنوان مشارکت‌کننده فعال در توسعه و هم به عنوان برخوردار شونده از منافع توسعه. ولی متأسفانه هنوز یکی از نابرابریهای تکان‌دهنده در توسعه انسانی، تفاوتها براساس جنسیت است.

تفاوتها

گرچه در کشورهای صنعتی، فاصله

تصمیم‌گیریها وجود نداشت ولی جنسيتها معیار انتخاب مدیران و مدیریت جامعه شد. برخوردارهای عاطفی با بسیاری از مسائل، از جمله رشد جمعیت، موجب کنار گذاشتن برنامه‌های کنترل جمعیت شد و زنان به عنوان فزاینده‌گان آحاد امت اسلامی مورد تحسین قرار گرفتند.

با اینکه اثرات مثبت دیدگاه دگرگون‌ساز را در کاهش برخی نابرابریها نمی‌توان انکار کرد، ولی این دیدگاه با واقعيتها، امکانات و نیازهای کشور انطباق نداشت و توسعه را

کنار گذاشته شد. ولی به هر حال در این میان زنان می‌بایست از مصرف‌کنندگان و ابزار مصرف، تغییر نقش داده و به مدیران خانهای که تصویرشان را برای فرزندان ما، در کتابهای درسی کشیده‌اند، تبدیل شوند.

مشارکت سیاسی آنها در ابعاد مختلف، مانند حضور در راهپیماییها و پشتیبانی از تصمیمات متخذه بسیار چشمگیر بود. زنان، رأی‌دهندگانی بودند که از روی اخلاص به پای صندوقهای رأی رفتند. گرچه در تئوریا مانعی بر سر راه مشارکت زنان در

● «زن در توسعه» یا «اثرات زنان در

رشد و توسعه اقتصادی»
کاربردهای گمراه‌کننده‌ای
است. باید زن را در توسعه
دید، هم به عنوان
انتخاب‌کننده و هم به عنوان
انتخاب‌شونده.
هم مشارکت‌کننده فعال
در توسعه و هم
برخوردار شونده
از منافع توسعه.



جدول شماره ۱: شاخصهای توسعه انسانی نشان‌دهنده تفاوت‌های جنسی

کشور	رتبه در شاخص توسعه انسانی	رتبه در شاخص توسعه انسانی حساس به جنسیت	شاخص توسعه انسانی زنان به عنوان درصدی از شاخص توسعه انسانی مردان
کانادا	۱	۸	۸۵/۷۳
ژاپن	۲	۱۸	۷۷/۵۶
نروژ	۳	۲	۹۳/۴۸
سوئیس	۴	۱۶	۸۰/۹۲
سوئد	۵	۱	۹۶/۱۶
آمریکا	۶	۹	۸۶/۲۶
استرالیا	۷	۶	۹۰/۴۸
فرانسه	۸	۴	۹۲/۷۲
انگلیس	۱۰	۱۳	۸۵/۰۹
آلمان	۱۲	۱۵	۸۳/۳۲
دانمارک	۱۳	۵	۹۲/۲۰
سنگاپور	۴۰	۲۵	۷۰/۸۷
کاستاریکا	۴۲	۲۶	۷۰/۶۱
کره جنوبی	۳۴	۲۷	۶۵/۵۳
هنگ‌کنگ	۲۴	۲۴	۷۱/۱۰

جنسها در زمینه‌های آموزش و بهداشت کاهش یافته است اما در اشتغال و دستمزدها کم‌کم باقی است. زنها سهم کمتری از درآمد ملی را به دست می‌آورند: در آمریکا، انگلیس و کانادا، زنان یک‌دوم مزد مردها را دریافت می‌کنند. در ژاپن زنان یک‌سوم متوسط درآمد سرانه مردها را دریافت می‌کنند. در دانمارک و فنلاند دوسوم درآمد مردها را به زنان می‌پردازند.

اگر به شاخص توسعه انسانی که توسط سازمان ملل محاسبه شده برای کل جمعیت و سپس برای زنان به عنوان درصدی از مردان نگاه کنیم (جدول شماره ۱) می‌بینیم که کانادا از یک کشور توسعه یافته با بالاترین شاخص توسعه انسانی به رتبه هشتم تنزل می‌یابد. شاخص توسعه انسانی زن، ۸۶ درصد شاخص توسعه مرد، به خاطر تفاوت در اشتغال و دستمزدها می‌باشد.

ژاپن از دومین مقام به مقام هجدهم سقوط می‌کند. در سوئد شاخص توسعه انسانی زن ۹۶ درصد مرد است و برعکس سایر کشورها، سوئد در این زمینه از مقام پنجم به مقام اول ارتقا می‌یابد.

در کره جنوبی شاخص توسعه انسانی زنها ۶۶ درصد مردها است، در دانمارک، توسعه انسانی زنها سه‌چهارم مردهاست و در کنیا یک‌دوم مردها. این اطلاعات بیان‌کننده این واقعیت است که زنها سهم واقعی خود را از پیشرفت‌های حاصله نمی‌برند و جنسیت هنوز ملاک تفاوت‌های چشمگیری است:

- در کشورهای در حال توسعه، دختر بچه‌ها در مقایسه با پسران خردسال از خوراک، مراقبت‌های بهداشتی و امکانات آموزشی کمتری برخوردارند.
- میزان باسوادی زنان دوسوم مردان است.
- بخش اعظم کارهای انجام شده توسط دختر بچه‌ها و زنان «نهفته» باقی مانده و در حسابهای ملی بروز نمی‌کند.
- ساعات کار زنان در مقایسه با مردان ۲۵ درصد طولانیتر است.

● زنان در مقایسه با مردان از تحصیلات، آموزش حرفه‌ای و دستمزد کمتری بهره‌مند می‌شوند.

● موانع فرهنگی، اجتماعی، حقوقی موجود در برابر روند تکامل دختر بچه‌ها و زنان بیش از موانعی است که احتمالاً مردان با آنها مواجه می‌شوند.

● میزان مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهایی که در سطوح اجتماعی، منطقه‌ای و ملی

اختلاف در ثبت نام دخترها و پسرها به خصوص در آفریقا، آسیای جنوبی و خاورمیانه بیشتر است. در حالی که در کشورهای صنعتی، دخترها بیش از پسرها در مدارس ابتدایی و متوسطه ثبت نام می‌کنند.

اختلافهای مشابه در میان بزرگسالان هم وجود دارد. در برخی از کشورها میزان باسوادی زنان بالای ۱۵ سال کمتر از ۳۰ درصد است، در حالی که در اغلب این کشورها مردان دوبرابر زنان باسواد هستند. با توجه به اهمیت آموزش در شاخص توسعه انسانی، وضعیت باسوادی زنان در مقایسه با مردان و در شهر و روستای کشور را با دقت بیشتری نگاه می‌کنیم (جدول شماره ۲):

شاخص توسعه انسانی در ایران نشان می‌دهد که میزان سواد و میانگین سالهای مدرسه

صورت می‌گیرد در مقایسه با مردان بسیار محدود است.

● نسبتها، قوانین و عادات اجتماعی در بسیاری مواقع دختر بچه‌ها را به «کودک کم اهمیت‌تر» تبدیل می‌کند.

بنابراین با همه پیشرفت‌ها هنوز فاصله دخترها و پسرها زیاد است. در حال حاضر ۹۶۰ میلیون نفر در دنیا بسواد وجود دارد که دوسوم آن زن هستند. در سال ۱۹۹۰ در کشورهای در حال توسعه ۱۳۰ میلیون بچه به آموزش ابتدایی دسترسی نداشتند که ۸۱ میلیون نفر آنها دختر بودند، ۳۰۰ میلیون بچه به آموزش ابتدایی و متوسطه دسترسی نداشتند که ۲۰۰ میلیون نفر آنها دختر بودند. در همین سال، در ایران ۱۴ میلیون بیسواد وجود داشته که ۸/۷ میلیون آن یا به عبارت دیگر ۶۲ درصد بیسوادان را زنان تشکیل می‌دادند.

جدول شماره ۲:

فاصله زن و مرد در اجزای شاخص توسعه انسانی در ایران و برخی از کشورهای در حال توسعه و مقایسه آن با کشورهای صنعتی							
شاخص	کشور	صنعتی	کشورهای در حال توسعه	ایران	کره جنوبی	آرژانتین	کوبا
امید به زندگی	۱۱۱	۱۱۰	۱۰۴	۱۰۱	۱۰۹	۱۱۰	۱۰۵
جمعیت سواد	۱۰۶	۱۰۰	۶۹	۶۷	۹۴	۱۰۰	۹۶
میانگین سالهای مدرسه	۹۶	۹۶	۵۴	۶۸	۶۱	۱۰۵	۱۰۳
ثبت نام در ابتدایی	۱۰۰	۹۳	۷۳	۹۲	۱۰۰	۱۰۷	۱۰۰
ثبت نام در متوسطه	۱۰۴	۹۳	۷۳	۷۱	۹۶	۱۱۱	۱۱۲
ثبت نام در دوره‌های تکمیلی	۹۹	۹۹	۵۳	۴۴	۴۹	۱۱۸	۱۴۵
نیروی کار	۷۸	۷۸	۵۲	۲۱	۵۱	۲۷	۴۶
حضور در پارلمان	۱۳	۱۳	۱۴	۲	۲	۵	۵۱



زنان حدود ۶۷ درصد مردان می‌باشد. در ثبت نام ابتدایی گرچه تفاوتها شاید زیاد به نظر نیاید ولی در مراتب بالاتر تحصیلی اختلاف بسیار چشمگیر است. ثبت نام دخترها در دوره متوسط ۷۱ درصد مردها و در دوره‌های تکمیلی ۴۴ درصد مردهاست. در حالی که وقتی به کشورهای صنعتی نگاه کنیم می‌بینیم که تقریباً در تمامی سطوح تحصیلی فرق چشمگیری بین زنها و مردها وجود ندارد.

اطلاعات مربوط به آموزش زنان را وقتی به تفکیک شهری و روستایی نگاه کنیم (جدول شماره ۳)، آینده امیدوار کننده‌ای را تصویر نمی‌کند. زیرا که در شرایط سال ۶۵ در روستاهای کل کشور ما فقط ۳۶ درصد زنان بالای شش سال باسواد بوده‌اند، اگر این رقم را مربوط به گذشته بدانیم، آینده را باید در اطلاعات مربوط به دو گروه سنی ۱۰-۱۱ و ۱۴-۱۱ سال دید. ۳۵ درصد دختران روستایی ما در این گروهها که لازم‌الاجرای

جدول شماره ۳:

درصد باسوادان در جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور برحسب گروههای عمده سنی به تفکیک جنس و شهر / روستا

منطقه/جنس	کشور		شهر		روستا	
	مرد	زن	مرد	زن	مرد	زن
جمعیت ۶ساله و بیشتر	۷۰/۱۵	۵۰/۸۸	۸۰/۳۶	۶۵/۴۳	۵۹/۹۵	۳۶/۳۳
کودکان ۶ - ۱۰ ساله	۸۸/۹۱	۷۸/۰۲	۹۴/۰۵	۹۰/۹۲	۸۳/۷۷	۶۵/۳۱
نوجوانان ۱۱ - ۱۴ ساله	۹۱/۰۱	۷۸/۵۲	۹۵/۵۹	۹۱/۹۲	۸۶/۴۴	۶۵/۱۵
جوانان ۱۵ - ۲۴ ساله	۸۳/۶۰	۶۳/۵۱	۹۱/۲۷	۸۰/۸۸	۷۵/۹۲	۴۴/۰۳
میانسالان ۲۵ - ۶۴ ساله	۵۳/۴۰	۲۹/۱۳	۶۹/۰۹	۴۴/۸۷	۳۳/۶۶	۹/۳۹
بزرگسالان ۶۵ساله و بیشتر	۲۲/۴۱	۶/۷۶	۳۴/۵۶	۱۱/۶۳	۱۰/۶۷	۱/۶۹

نیز هستند، به مدرسه نمی‌روند. بنابراین ۳۵ درصد مادران و همسران خانوارهای ما، در روستاها، در آینده بیسواد خواهند بود و بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که تا حداقل یک نسل دیگر یا ۵۰ سال دیگر، ما در کشور، زنان بیسواد خواهیم داشت. حتی در جامعه شهری نیز که به ظاهر امکانات آموزشی بیش از روستاها وجود دارد ۱۰ درصد دختران ما به مدرسه نمی‌روند. شاخص توسعه انسانی زنان در مقایسه با مردان کشور و سهم برخوردار شدن از آموزش، به خصوص در جامعه روستایی، نشان می‌دهد که هنوز برای کاهش نابرابریها در اصلیتترین بُعد توسعه انسانی، یعنی آموزش، راه درازی را در پیش داریم.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در دنیایی که ادعا می‌شود بازارهای ملی از کنترلها آزاد می‌شوند ولی هنوز کنترلهایی باتفکیک جنسها وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه، انسانها با جنسهای متفاوت،

رشد چه نقشی می‌توانند ایفا کنند، بلکه سؤال این است که اگر پذیرفتیم توسعه یعنی تعالی انسانها، آن وقت تعالی انسانها فرآیندی است که در طی آن باید برای انسانها حق انتخاب و مشارکت در تصمیم‌گیریهای مربوط به سرنوشت خود و کشور را قایل شد و به طور یقین شانس به دست آوردن آموزش نسبت به سایر امور در اولویت قرار می‌گیرد. خطر جدی در این است که توسعه انسانی رادرس متوجه نشویم و بیشتر یک مُد و یا شعار باشد تا دستورالعملی برای اجرا:

۱- برخی معتقدند که توسعه انسانی ضررشد اقتصادی است و فکر می‌کنند که

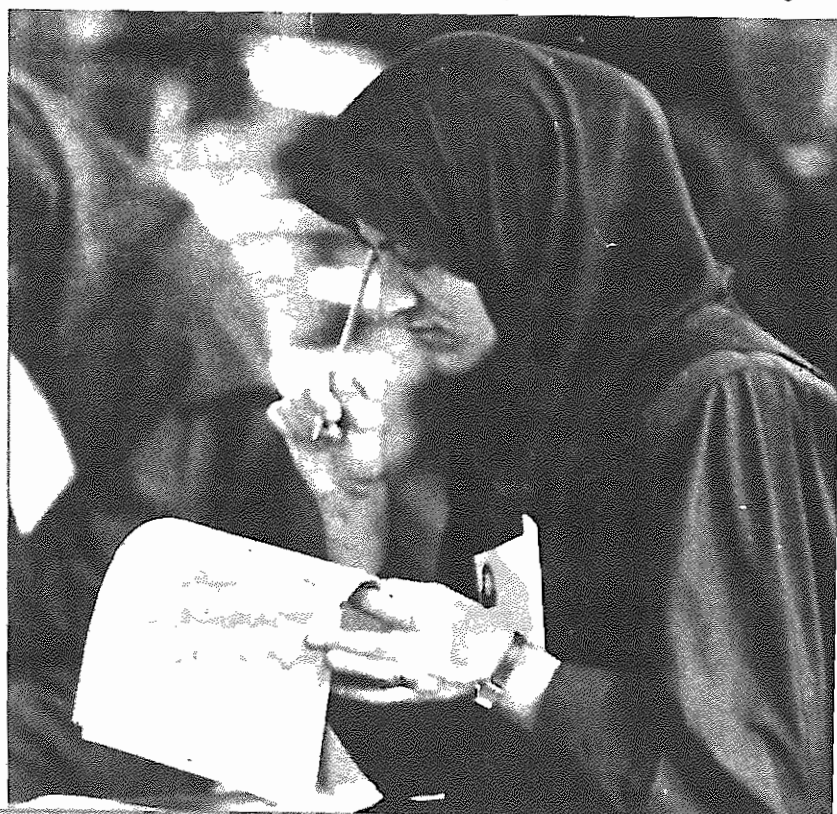
شرکای برابر نیستند و بنابراین باپادشاههای نابرابر نیز بازارها را ترک می‌کنند. در جایی که ادعای رقابت آزاد در فضای ملی و جهانی می‌شود، مقررات غالباً مانع رقابت آزاد دو جنس هستند. اگر قرار باشد که در کشورهای در حال توسعه، بازارها آزاد و رقابت آزاد باشد، سرمایه‌گذاری زیادی باید بر روی انسانها صورت گیرد زیرا که آگاهی انسانهایی که به هر حال به دنیا آمده‌اند تنها امتیازهای نسبی کشورهای در حال توسعه می‌باشد.

بنابراین سؤال اصلی در توسعه انسانی این نیست که چه مقدار رشد اقتصادی باید به دست آوریم و زنها در به دست دادن این

● با یک بررسی آماری می‌توان نتیجه گرفت که تا حداقل یک نسل دیگر یا ۵۰ سال آینده، ما در کشورمان زنان بیسواد خواهیم داشت و هنوز برای کاهش نابرابریها در اصلیترین بُعد توسعه انسانی، یعنی آموزش راه درازی در پیش داریم.

● آموزش زنان و مشارکت آنان در جامعه، یک ضرورت توسعه انسانی است و نه یک ابزار اقتصادی.

● تربیت زن و یا ارتقای پایگاه زن به عنوان نیروی کار در دوران رشد اقتصادی و یا برای کاهش بُعد خانوار تهدیدی است برای مشارکت زن در توسعه، زیرا کیفیت و تعالی او فراموش می‌شود.



کشور یا منطقه	سن کارگران مناطق پرده‌زنی صادرات	سهم زنان در صنایع مناطق پرده‌زنی صادرات (به درصد)
جمهوری کره	۸۵ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۷۵
هنگ کنگ	۸۵ درصد بین ۲۰ تا ۳۰ سال	۶۰
سنگاپور	۷۸/۵ درصد زیر ۲۷ سال	۶۰
مالزی	متوسط سن ۲۱ / ۷۰ سال	۸۵
مکزیک	۷۸/۵ درصد زیر ۲۷ سال	۷۷
تونس	۷۰ درصد زیر ۲۵ سال	۹۰
فیلیپین	۸۸ درصد زیر ۲۹ سال	۷۲
مصر	۸۳ درصد زیر ۲۶ سال	۶۸
هندوستان	۸۳ درصد زیر ۲۶ سال	۸۰
اندونزی	۸۳ درصد زیر ۲۶ سال	۹۰
پاریادوس	متوسط بین اوایل ۲۰ سالگی	۹۰
موروس	۷۰ درصد زیر ۲۵ سال	۷۹



اقتصادی است. زنان کشور ما برای اینکه در توسعه نقش کامل خود را داشته باشند، به درستی آموزش داده نمی‌شوند و مهارت‌های لازم را کسب نمی‌کنند. بنابراین آموزش زنان و مشارکت زنان در جامعه یک ضرورت توسعه انسانی است و نه یک ابزار اقتصادی.

* لازم به ذکر است که کتاب مجموعه مقالات سمینار مشارکت اجتماعی زنان که از سوی کمیسیون بانوان استان تهران در اسفند ۷۱ برگزار شد، به زودی منتشر می‌شود.

در جهت تأمین اهداف دیگری مد نظر قرار می‌گیرند. بنابراین تأکید سازمان‌های ملی و بین‌المللی بر نیروی کارزن و مشارکت زن در امور اقتصادی و تأکید بر این شاخص به عنوان شاخص توسعه یافتگی در واقع یک دیدگاه انحرافی نسبت به مقام زن است. تعالی زن و کیفیتها از طریق آموزش باید بیشتر در توسعه مد نظر باشد بیش از آنچه که کمیت نیروی کار زن مد نظر است. این واقعیت که درصد بیسوادی زنان بالاتر از مردان است یک عامل اساسی محدودکننده مشارکت زنان در توسعه اجتماعی و

توسعه انسانی بیشتر بر توزیع رشد تأکید دارد تا کسب آن و یک ملاحظه اجتماعی است و نه اقتصادی. واقعیت این است که توسعه انسانی هم با ارتقای ظرفیتها و قابلیت‌های انسانی سر و کار دارد و هم با استفاده از این قابلیتها. بعد اول نیازمند سرمایه‌گذاری بر روی انسانهاست و بعد دوم سهم این انسانهاست در رشد تولید ناخالص ملی. بدون توجه به بعد اول، بعد دوم به تنهایی، توسعه نخواهد بود.

۲- اشتباه دیگر این است که تصور می‌شود که توسعه انسانی یک توسعه بخشی است، یعنی فقط بخش آموزش یا بهداشت و یا خدمات اجتماعی. در حالی که این درست نیست، توسعه انسانها به طور یقین به بعد آموزش بیشتر اهمیت می‌دهد ولی توسعه سایر بخشها نیز ضروری است.

۳- اشتباه سوم این است که برخی فکر می‌کنند که استراتژیهای توسعه انسانی باهدف برآوردن نیازهای اساسی، فقط برای کشورهای فقیر و یا طبقات اجتماعی فقیر است. درست است که نیازهای اساسی باید برآورده شوند اما این نیازها فراتر می‌روند و آنچه که در توسعه انسانی محور است حق انتخاب و مشارکت انسانها است بدون در نظر گرفتن جنسیتها.

به طور قطع رشد اقتصادی ضروری است و هیچ کشوری بدون رشد اقتصادی قادر به ادامه حیات نخواهد بود. اما این رشد به تنهایی کافی نیست زیرا مشارکت زنها صرفاً در تأمین رشد اقتصادی لزوماً به تعالی آنها ختم نمی‌شود. تربیت زن و یا ارتقای پایگاه زن به عنوان نیروی کار در دوران رشد اقتصادی و یا برای کاهش بعد خانوار و کنترل مولید، در واقع تهدیدی است برای مشارکت زنان در توسعه، زیرا کیفیت و تعالی آنان فراموش می‌شود و بیشتر

فرم اشتراك

نام و نام خانوادگی:

نام خانوادگی:

سن: تحصیلات:

از شماره: نشانی:

کد پستی: تلفن: صندوق پستی:

حق اشتراك برای یکسال (۱۲ شماره)

ایران ۱۴۴۰۰ ریال آمریکا، کانادا و خاور دور

معادل ۲۴ دلار اروپا معادل ۴۰ مارک خاورمیانه

معادل ۲۲ دلار

خوانندگان گرامی در صورت تمایل به اشتراك می‌توانند با تکمیل این فرم و واریز حق اشتراك به حساب جاری ۱۹۷۰ به نام مجله زنان، بانک ملی ایران، شعبه سمیه (قابل برداشت در شعبه سراسر کشور)، اصل فیش بانکی همراه با اصل یا کپی این فرم را به نشانی تهران - صندوق پستی ۵۵۶۳ - ۱۵۸۷۵ مجله زنان ارسال فرمایند.



افسانه جوان کوهستان

- هی افسونگر زیبا در بگشا!
چار نعل تاختم تا به اینجا
- ای دل آور تو قول خود برده ای از یاد
این یک از سه خواهش من باد

زیباروی گفت به جوان:
- دوباره برنشین روی زین
مشتی مروارید از کف دریا
باید که بیآوری مرا

با مشت پر ز مروارید
جوان به آستانه رسید
- هی دختر افسونگر راه بده
من آمده ام سر وعده!

- چه بی صبری تو پسر کوهستان
آرام بگیر تا وقت قرارمان
قول زگوهر گراتر است
مرا سه خواهش بوده است

- این زمان به کجا روم
وز پی چه، زود بگویم
- حالیا از میان این در بگشوده
بگذر و بگذار قدم به خانه

اما پیش از آنکه به آغوشم درآی
سوگند بخور ای پسر کوه زاد
زین لحظه تا ابد
پدر و مادر خویش را ببری از یاد.

- این درنگ از چه روی؟ سوگند بخور جوان
عشق پر شور خود را در پرده میوشان
به درون آی، میان بازوانم جای گیر
تنگ، همچون تیغه یکی خنجر

آخ، خاموش مشو چابک سوار دل آور
در آغوش من، دنیا را ز خاطر ببر

شاهین من، پس به کجا می روی آخر؟
صدای سُمها
در پاسخ دختر

- هی! دختر زیباروی
در به رویم بگشای
- امشب ای جوان در نور ماه
از کجا آمده ای کنار این درگاه؟

- سوگند می خورم دختر زیبا
قلبم به درگاه تو آورده مرا!
- هی مهمان ناخوانده، سوار اسبت شو
به جستجوی قصر دیگری برو

- خدا گواه من است ای ماهروی
عشق پاک مرا باور کن
آنچه بایدم کرد بگوی
در به روی من بگشای

- هی جوان زیر آمده از اسب
لودگی بس است!
سه خواسته هست مرا
گر بی باکی باشد تو را

گر خواسته هایم را برآوری
کلید قصر مرا به دست آوری
باید که تا پشت هفت قله بتازی
بلندتر زهفت آسمان، توانی؟

- به کجا باید تاخت و تاز برم؟
امر کن و عذابم کم!
- کبوتری سپیدفام چو برف
لانه دارد کنار ابر شنگرف

چو ماه برآید
روباهی سوی او روانه آید
پوست زعفران گون روباه را
پیش از سپیده دم برایم بیاور

هنوز دیبای تمشک فام بر تن مشرق بود
که چابک سوار مشتاق باز گشته بود
پوست روباه بر شانه های جوان
می درخشید چو شعله ارغوان

رسول حمزاتوف
ترجمه فرشته ساری



گپی با زنان آرایشگاه زیبا

عکس از لاله شرکت

○ به نظر من همه افراد جامعه نقاط ضعف یا قوتی دارند. بزرگترین مشکلی که ما داشتیم این بود که هر شغلی را انتخاب می کردیم، عده ای ممکن بود اعتراض کنند. خوب هر کس بالاخره شغلی دارد. یکی سیگار فروش است، یکی دبیر است و یکی دکتر. حتی عده ای می گفتند ما فامیلان خمارلو است چرا این فامیل را انتخاب کرده اید؟ به هر حال باید پرسوناژهای مختلف و دیدگاههای مختلف با فراز و نشیبهایی که در شخصیتهاشان هست مقابل هم قرار گیرند و با هم برخورد کنند. حالا یکی معلم است و دیگری فرش فروش.

ما خواسته ایم مسائلی را مطرح کنیم؛ به ویژه که خواسته ایم در قالب طنز هم باشد تا خنده ای هم بر لب بیننده ها بنشانند؛ والا همه روی سر ما جا دارند.

● قزوینیها معتقدند که لهجه قزوینی را به خوبی ارائه کرده اید. مثلاً گفته اند تکه کلام «حرف باید منطق داشته باشد» حرف پیرمردهای قزوین است. چطور شد که این لهجه را انتخاب کردید؟

○ این تکه کلام را نویسنده نوشته که بسیار هم به جا بود و خوب هم گل کرد. لهجه قزوینی را خود آقای بصیری (اصلاً) به من پیشنهاد کرد. ما دلمان نمی خواست که حالت مسخرگی و لودگی پیش آید. چون من اصلاً در مورد کاربرد لهجه دیدگاهم چیز دیگری است. اما استفاده از لهجه شیرین قزوینی خوشبختانه به لطف این پرسوناژ که آدم شریفی است بسیار کمک کرده است. او این شهرستانی پاک و باصفا، شیرینترین و کم ضعفترین پرسوناژ سریال است. تنها کسی که دور و بر اسد هست و اسد او را دوست دارد و باهاش حرف می زند. گویانکه او هم به نوعی از اسد بهره می برد اما بسیار صمیمی و پر لطف است. ما همیشه هم

آرایشگاه زیبا سریالی بود که بدون جانبداری خاصی باید گفت توجه قشر عظیمی از مردم را به خود جلب کرده بود و توجه و نگرشی ویژه نسبت به زن در داستان آن به چشم می خورد. از این رو و از آنجا که دست اندرکاران تهیه سریال نیز زن هستند، بهتر دیدیم به جای نوشتن نقد یا مقاله ای درباره سریال، با زنان آرایشگاه زیبا، اعم از تهیه کننده، کارگردان، منشی صحنه و هنرپیشه ها گفتگویی داشته باشیم و از نزدیک در جریان چگونگی شکل گیری این سریال و اهداف و دیدگاههای آنان قرار بگیریم. از کارگردان، خانم مرضیه برومند شروع می کنیم: ❁

جامعه ای به زن ستم می رود، حتماً در آن جامعه به مرد هم ستم می رود. مردی که صبح تا شب مجبور است سه جا کار کند تا زندگی خانواده اش را تأمین کند طبیعی است که وقتی به خانه می رود فقط زورش به زنش می رسد، اما من، شخصاً در کارم هرگز فکر نکرده ام یک زن هستم، همان طور که نخواستم ادای مردها را دربیاورم. من یک انسانم که دارم کار می کنم و برای انسانها هم احترام زیادی قائلم. در این سریال مسئله زنان بیوه به نوعی مطرح شده است، همان طور که مسئله اسد خمارلو هم به عنوان مردی که از نظر روحی به نوعی بیوه است مطرح شده است. خواهر اسد را هم که دیدید. زنی است کاملاً طبیعی که در خانه و زندگی اش آسایش و آرامش دارد. شوهرش با او رفتار خوبی دارد و این امنیت باعث می شود که او بی عقده باشد، راحت حرفش را بزند، راحت عکس العمل نشان دهد و با مسائل بسیار راحت برخورد کند.

● طنزی که به کار بردید از نظر مردم چگونه تلقی می شد؟

● خانم برومند، چه شد که از کار کودکان به کارگردانی سریال روی آوردید؟
○ آدم که تا ابد نباید در خط ویژه ای کار کند. من قبلاً هنرپیشه تئاتر بودم بعد به کار کودکان علاقه پیدا کردم و مدتی هم که کارگردانی سریال را به عهده داشتیم. اما به طور کلی، تئاتر عروسکی زمینه مورد علاقه من است.

● هدفتان از طرح چنین سوژه ای برای سریال چه بود؟

○ تولید این مجموعه در ابتدا برای ایجاد مجموعه ای با نگاه طنز، برای سرگرمی و شادی عامه مردم بود. یعنی مجموعه ای که بتواند اکثریت مردم را - از هر تیپ و طبقه و در هر سطحی - پای تلویزیون بنشانند. خوب، بعد از تعیین هدف، مسئله متن آن مطرح می شود. طبیعی است که ما باید در لوای آن سرگرمی و طنزی که در نظر داریم؛ حرفی هم برای گفتن داشته باشیم و خواستیم که حرفهایمان را خیلی ظریف مطرح کنیم و شعار ندهیم و در ضمن تماشاچی هم کمی به فکر بیفتد. مثلاً وقتی دو نفر توی آرایشگاه با هم دعوا می کنند که خسارت تصادفی را بپردازند و هر کس می خواهد به دیگری پول بدهد. یادتان که می آید؟ خوب این ایده آل جامعه ماست که ما به شکل طنز مطرحش می کنیم. و واقعاً چه خوب بود اگر این طور می شد.

● آیا در انتخاب سوژه، گرایش خاصی به مسئله زنان داشته اید یا فیلم ناخودآگاه بر محور زنان می گردد؟

○ من جامعه را متشکل از انسانها می بینم، زن و مرد. و فکر می کنم اگر مشکلات و مسائل کل جامعه حل بشود مشکلات خانمها هم در پرتو آن حل می شود که برعکس آن هم صادق است. اگر در

